

# ارزیابی ساختار عاملی مقیاس سبک‌های عاطفی در دانشجویان

حسین کارشکی<sup>۱</sup>

مقاله پژوهشی

چکیده

**زمینه و هدف:** طراحی مقیاسی برای سنجش سبک تنظیم هیجانی و نیز بررسی پیامدها و عوامل مؤثر بر آن، موضوعی ارزشمند و قابل توجه است. هدف پژوهش حاضر، بررسی روایی و پایایی مقیاس سبک‌های عاطفی و بررسی رابطه مؤلفه‌های آن با تمایلات پرخاشگرانه است.

**مواد و روش‌ها:** روش پژوهش، از نوع اعتباریابی و همبستگی است. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۳۵۰ دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد انتخاب شدند. روش انتخاب نمونه، سهمیه‌ای بود. پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی Hofman و Kashdan و پرسش‌نامه خودسنجی پرخاشگری Wilson - Izenk توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه Hofman و Kashdan از روش Cronbach's alpha و برای تعیین روایی آن از روایی محتوایی، تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روایی سازه تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که سبک عاطفی هیجانی غالب در دانشجویان، سازگاری است و بیشتر افراد از این سبک برای کنترل هیجانات استفاده می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که بین پنهان‌کاری با پرخاشگری ( $r = -0.11, P < 0.05$ )، و نیز سازگاری هیجانات با پرخاشگری رابطه منفی و معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد ( $r = -0.27, P < 0.05$ )، اما بین تحمل هیجانات با پرخاشگری رابطه معنی‌داری به لحاظ آماری مشاهده نشد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر این است که مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی می‌توانند پرخاشگری را پیش‌بینی کنند ( $P < 0.01$ ).

**نتیجه‌گیری:** مقیاس خودتنظیمی هیجانی در دانشجویان ایرانی از روایی و پایایی کافی برخوردار است و می‌توان گفت که یکی از عوامل مرتبط با پرخاشگری، سبک عاطفی افراد است.

**واژه‌های کلیدی:** خودتنظیمی، هیجان، پرخاشگری و روسازی و دانشجو

**ارجاع:** کارشکی حسین. ارزیابی ساختار عاملی مقیاس سبک‌های عاطفی در دانشجویان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۲؛ ۱۱ (۳): ۱۹۵-۱۸۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۶

## مقدمه

تکاملی (Evolutionarily adaptive) قایل هستند. به باور Wit و Ridder خودتنظیمی هیجانی یعنی تمایل به کنترل حالت‌های درونی، کنترل تکانه‌ها و رفتارها و انطباق آن با معیارها برای رسیدن به هدف (۴). خودتنظیمی هیجانی شامل فرایندهایی است که از آن طریق مردم هیجانات خود را و نیز چگونگی و ابزار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند (۱). این توانمندی یا ویژگی نقش قابل توجهی در بهزیستی و سلامت روانی دارد و لازم است که به خوبی شناسایی شود و عوامل و

استفاده مناسب از هیجانات نقش مهمی در زندگی، تحصیل، کار و موفقیت‌های انسان دارد و به باور Hofmann و Kashdan یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های انسان‌ها، توانایی تنظیم و سازگاری هیجاناتشان متناسب با الزامات موقعیت‌های خاص است (۱). Davidson (۲) و Ekman (۳) نیز برای خودتنظیمی هیجانی (Emotional self-regulation) نوعی نقش سازگاران

ممکن است که منجر به رفتار پرخاشگری شود یا نشود (۸). در هر صورت نگرش پرخاشگرانه نقش مهمی در سلامت روانی و سازگاری و کیفیت زندگی افراد دارد. آن چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی رابطه سبک‌های هیجانی با نگرش پرخاشگرانه است. Eniola معتقد است که نگرش‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه از فشارزاترین مسایل کودکان و نوجوانان در سن مدرسه است (۹). بر طبق الگوهای شناختی-اجتماعی پردازشگری اطلاعات، رفتار پرخاشگرانه روشی است که از آن طریق کودکان با مهارت‌های ضعیف مسایل اجتماعی زندگی روزانه‌شان را مدیریت می‌کنند. عوامل، ارزش‌های اجتماعی و شرایط خانوادگی نیز از این منظر در پرخاشگری دخیل هستند. در این رابطه فرایندهایی ممکن است که منجر به تسهیل یا بازداری رفتارها و نگرش‌های پرخاشگرانه شوند که خودتنظیمی هیجانی و هوش هیجانی به اعتقاد Eniola از جمله این عوامل هستند (۹). تنظیم هیجانی همچون میانجی‌گر مهمی می‌تواند در رابطه بین عوامل پرخاشگری و رفتار پرخاشگرانه نقش ایفا کند (۱۰). خودتنظیمی در حیطه‌های مختلف رفتاری، عاطفی و شناختی ممکن است اعمال گردد. برای مثال یادگیری خودتنظیمی از نظر Schunk و Zimmerman شامل توانایی شخص برای درک و کنترل یادگیری است (۱۱). بنابر بررسی‌های Lewis و همکاران کودکانی که فاقد این توانایی باشند، اغلب مسایل رفتاری جدی دارند (۱۲). یادگیرندگان پرخاشگر اغلب نمی‌توانند افکار، احساسات و اعمالی را که نشأت گرفته از حالت‌های هیجانی همچون خشم و اضطراب است را تنظیم کنند و این کیفیت و ابعاد روابط با والدین و همسالان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به لحاظ بالینی پرخاشگری و مسایل اضطراب فراگیر، به عنوان اختلال در تنظیم هیجان محسوب می‌شوند (۱۳، ۱۴). Lewis و همکاران نیز ابراز کردند که بین خودتنظیمی هیجانی پایین و رفتارهای پرخاشگرانه رابطه وجود دارد (۱۲). در تحقیق Rothbart و همکاران نیز مشخص شد افرادی که توانایی کمی در تغییر ارادی توجه و

پیامدهای آن مورد بررسی قرار گیرد. Hofmann و Kashdan (۱) و نیز Davidson (۵) سبک‌های عاطفی را به جای روش‌های تنظیم هیجانی به کار بردند. آن‌ها سبک‌های عاطفی را به سبک‌های پنهان‌کاری (Concealing)، سازگاری (Adjusting) و تحمل (Tolerating) طبقه‌بندی کردند. ویژگی‌های سبک پنهان‌کاری شامل بازداری و دیگر راه‌بردهای معطوف به مخفی کردن یا اجتناب از هیجانات بعد از ظهور آن‌ها است. سبک سازگاری به معرفی افرادی می‌پردازد که قادرند تا در حل مسایل سازشی اطلاعات هیجانی را به دست آورند و به کار گیرند و بهتر قادرند تا مطابق الزامات بافت و محیط، تجربه و ابراز هیجانی را تعدیل و تنظیم کنند. بالاخره سومین سبک (تحمل) ویژگی افرادی است که در پاسخ به برانگیختگی ناشی از تجربه‌های هیجانی راحت و غیر دفاعی واکنش نشان می‌دهند. این‌ها در مقابل فشار و پریشانی تحمل بالایی دارند.

سبک عاطفی یا شیوه تنظیم هیجان پیامدهای مختلفی در زندگی انسان به خصوص در حوزه مسایل اجتماعی و سازشی دارد. Blair و همکاران در گزارش پژوهشی خود نشان دادند که تنظیم هیجانی بر حل مسأله اجتماعی تأثیرگذار است (۶). Rothbart و Bitez (به نقل از Corapci) تنظیم توجه و رفتار را از جمله عوامل مؤثر بر مهارت‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند (۷). گر چه در مورد عوامل و زمینه‌های رفتارهای پرخاشگری تحقیقات زیادی صورت گرفته است و جای تحقیقاتی نیز خالی می‌باشد، تأکید دیگر پژوهش حاضر بر نگرش‌های پرخاشگرانه در ارتباط با خودتنظیمی هیجانی است که این نگرش ارتباط نزدیکی با رفتار پرخاشگرانه دارد. خشونت و پرخاشگری و خصومت ممکن است به جای هم به کار رود و یا ممکن است اصطلاحات دیگری به جای این‌ها به کار رود، ولی بین این‌ها تفاوت وجود دارد. Del و O'Leary معتقدند که خصومت به نگرش پرخاشگرانه اشاره دارد که ممکن است به رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود، ولی پرخاشگری به رفتار قابل مشاهده و به قصد آسیب رسانی گفته می‌شود. از این رو می‌توان گفت که این نگرش خصمانه

است و از آن جا که به بومی‌سازی ابزار سبک‌های عاطفی می‌پردازد، از نوع روش‌های اعتباریابی آزمون است.

### جامعه و نمونه

جامعه شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد است. از این جامعه، نمونه‌ای به حجم ۳۵۰ دانشجوی دوره کارشناسی با حداکثر ترم هفتم انتخاب شدند. روش انتخاب نمونه، سهمیه‌ای بود. جامعه تحقیق متشکل از چندین دانشکده و زیرگروه آموزشی و دو جنس بود و سعی شد تا سهم متناسب با هر یک از زیرگروه‌های مزبور در جامعه، در نمونه نیز رعایت گردد. پرسش‌نامه نیز به شکل فردی توسط شرکت‌کنندگان در دسترس تکمیل شد. از نمونه یاد شده ۵۷ درصد پسر و ۴۳ درصد دختر بودند که دامنه سنی آن‌ها بین ۱۷ تا ۴۲ سال بود. دانشجویان یاد شده از رشته‌های ادبیات، الهیات، ریاضی، مهندسی، داروسازی، پزشکی و دندان‌پزشکی انتخاب شدند. ۱۹ نفر شاغل و ۳۳۱ نفر غیر شاغل، ۳۱۵ نفر مجرد و بقیه متأهل بودند.

### ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی Hofmann و Kashdan (۱) و پرسش‌نامه خودسنجی پرخاشگری Wilson-Izenk (به نقل از تهرانی) استفاده شد (۲۰).

پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی Hofmann و Kashdan شامل ۲۰ سؤال بود که پاسخ‌گویی به آن‌ها بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از طیف بی‌فهمی در مورد من درست است تا اصلاً در مورد من درست نیست را شامل می‌شود (۱). پرسش‌نامه مزبور پس از ترجمه و ترجمه مجدد، از نظر روایی محتوایی در اختیار متخصصان روان‌شناسی مربوط قرار گرفت و روایی محتوایی آن تأیید شد. پرسش‌نامه دارای سه مؤلفه یا خرده‌مقیاس پنهان‌کاری، سازش‌کاری و تحمل است که به ترتیب ۸، ۷ و ۵ سؤال دارند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای احراز روایی سازه، از تحلیل عاملی استفاده شد که نتایج آن در بخش یافته‌ها گزارش می‌گردد.

پرسش‌نامه پرخاشگری شامل ۳۰ سؤال است که

بازداری تکانه‌های هیجانی‌شان دارند، سطوح بالاتری از پرخاشگری را دارا هستند (۱۵). در تحقیق Eisenberg و همکاران مشخص شد که کودکان با کنترل هیجانی خوب قادرند توجهشان را از نشانه‌های خشم بگیرند و روش‌های کلامی غیر خصمانه‌ای را به کار بگیرند (۱۶). عارفی و رضویه و نیز تحقیقات ایرانی مشابه نشان دادند که پرخاشگری با سازگاری عاطفی - اجتماعی رابطه منفی دارد (۱۷). Shaw و Trentacosta با بررسی نقش و رابطه خودتنظیمی هیجانی و رفتارهای ضد اجتماعی کودکان، به این نتیجه رسیدند که بین این دو رابطه منفی وجود دارد (۱۸). نورانی‌پور و همکاران نیز در پژوهشی آزمایشی به این نتیجه رسیدند که آموزش هوش هیجانی که سازه‌های کلی‌تر از خودتنظیمی هیجانی است، در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان پسر نقش دارد (۱۹). البته وجود تفاوت‌های جمعیت شناختی در ویژگی‌های عاطفی - هیجانی مانند سبک‌های عاطفی در تحقیقات مختلف، قابل دفاع است و می‌تواند موضوع تحقیقات متعددی باشد. با مرور تحقیقات گذشته می‌توان گفت که گرچه در مورد رابطه تنظیم هیجانی و رفتارهای پرخاشگرانه شواهد قابل توجهی وجود دارد، اما جای تحقیقاتی که به بررسی رابطه خودتنظیمی هیجانی یا سبک کنترل عاطفی با نگرش‌های پرخاشگرانه یا خشم پرداخته باشد و یا ابزاری که برای شناسایی این سبک‌های عاطفی استفاده شده باشد، خالی است. از این رو هدف این پژوهش، بررسی نقش خودتنظیمی هیجانی در کنترل نگرش پرخاشگری و ارزیابی ساختار عاملی مقیاس سبک‌های عاطفی در دانشجویان ایرانی است. فرضیه می‌شود که خودتنظیمی هیجانی می‌تواند به پیش‌بینی نگرش پرخاشگرانه منجر شود و آزمون سنجش خودتنظیمی هیجانی (سبک‌های عاطفی) از پایایی و روایی کافی در دانشجویان ایرانی برخوردار است.

### مواد و روش‌ها

روش تحقیق از این جهت که به توصیف روابط بین سبک‌های عاطفی و پرخاشگری می‌پردازد، از نوع همبستگی

(Kaiser-Meyer-Olkin)) نتایج اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که بر اساس ارزش‌های ویژه، سه عامل قابل استخراج است (جدول ۱). آزمون نمودار اسکری نیز همین را نشان داد. ۱۷/۸ درصد واریانس توسط عامل اول (سازگاری)، ۱۴/۹۷ درصد واریانس توسط عامل دوم (پنهان‌کاری) و ۸/۴۳ درصد توسط عامل سوم (تحمل) تبیین می‌شود. البته سؤالات ۱۸ و ۲۰ از مؤلفه پنهان‌کاری و سؤالات ۳ و ۱۴ از مؤلفه تحمل به دلیل بار عاملی ضعیف‌تر از ۰/۳۰ حذف شدند. پایایی Cronbach's alpha خرده مقیاس‌های پنهان‌کاری، سازش‌کاری و تحمل به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۵ و ۰/۵۰ و پایایی کل برابر ۰/۸۱ به دست آمد. در مجموع شاخص‌های روایی سازه تحلیل مؤلفه‌های اصلی و پایایی Cronbach's alpha رضایت‌بخش بود.

نتایج اجرای تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان داد که مدل پیشنهادی ساختار سه عاملی سبک‌های عاطفی از برازش مناسبی برخوردار است (IFI = Incremental fit index)، (CFI = Comparative fit index)، (CFI = Goodness of fit index) = Root mean square error of approximation)، (RMSEA = ۰/۰۷۹، .RMSEA = ۰/۵۵، df = ۴۷۷،  $\chi^2 = ۰/۹۰$ ، IFI = ۰/۹۰، CFI = ۰/۸۷، GFI = ۰/۹۰).

یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیف آماری بر حسب زیرگروه‌ها و آزمون فرضیه‌ها به ترتیب آورده می‌شود. جدول ۲، میانگین، انحراف معیار و کمینه و بیشینه هر یک از سبک‌های عاطفی و نگرش‌های پرخاشگرانه را نشان می‌دهد. میانگین هر یک از سبک‌های عاطفی شامل نمره‌ای بین ۱ تا ۵ است که از طریق تقسیم نمره هر مقیاس بر تعداد سؤالات آن به دست آمده است.

ضریب همبستگی خرده مقیاس‌های سبک‌های عاطفی نیز محاسبه شد. نتایج نشان داد که بین سازگاری و تحمل همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۱ < P،  $r_{xy} = ۰/۲۱$ )، بین سازگاری و پنهان‌کاری نیز همبستگی مثبت معنی‌داری وجود داشت (۰/۰۱ < P،  $r_{xy} = ۰/۳۸$ )، اما

پاسخ‌گویی به آن‌ها به صورت "بلی، خیر و نمی‌دانم" است. این پرسش‌نامه پیش از این در ایران توسط محمد تهرانی اجرا شد و روایی و پایایی آن احراز شده بود (۲۰). در تحقیق یاد شده روایی محتوایی تأیید و مقدار پایایی Cronbach's alpha ۰/۷۴ به دست آمد که مقدار آن رضایت‌بخش بوده است، اما روش استفاده شده برای احراز پایایی با توجه به نوع پاسخ‌های آزمودنی‌ها نامناسب بوده است. در پژوهش ملکی (به نقل از Del و O'Leary) نیز پایایی Kuder-Richardson آزمون مزبور ۰/۶۹ به دست آمد و پایایی احراز شده است (۸). در این تحقیق نیز پایایی دو نیمه کردن Spearman-Brown آزمون پرخاشگری با حذف سؤال ۵ بعد از معکوس کردن برخی سؤالات، ۰/۷۲ به دست آمد که به نسبت رضایت‌بخش است. روایی محتوایی پرسش‌نامه مزبور در تحقیق فعلی نیز تأیید شد.

## روش اجرا

پس از ترجمه، انطباق‌یابی زبانی و احراز روایی محتوایی پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی، این پرسش‌نامه به همراه پرسش‌نامه پرخاشگری اجرا شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش، اغلب ظرف ۲۵ دقیقه دو پرسش‌نامه را پاسخ می‌دادند. پس از اجرا و جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل مؤلفه‌های اصلی و تحلیل عاملی تأییدی با سه عامل روی سؤالات پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی صورت گرفت. پایایی کلی و خرده آزمون‌ها هم از طریق Cronbach's alpha محاسبه شد. در نهایت با استفاده از تحلیل رگرسیون و تحلیل همبستگی رابطه سبک‌های عاطفی و پرخاشگری به دست آمد.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش با گزارش احراز روایی و پایایی شروع می‌شود و سپس گزارش توصیفی ارایه می‌گردد و در نهایت شواهد سازه دیگر این مقیاس گزارش می‌گردد.

نتایج اجرای تحلیل عاملی نشان داد که حجم نمونه کافی است، ماتریس همبستگی مناسب و عامل‌ها تفسیرپذیر هستند (۰/۰۰۱ < P،  $\chi^2 = ۱۴۰۹/۰۷۶$ ، KMO = ۰/۸۰۸).

همچنین سازگاری هیجان‌ها با پرخاشگری رابطه منفی و معنی‌داری به لحاظ آماری دارد ( $r_{xy} = -0.27, P < 0.001$ )، اما تحمل هیجان‌ها با پرخاشگری رابطه منفی غیر معنی‌داری به لحاظ آماری دارد ( $r_{xy} = -0.03, P = 0.297$ ) که این نتایج می‌تواند نشان دهنده شواهد واگرایی خوبی باشد.

بین تحمل و پنهان‌کاری رابطه معنی‌داری دیده نشد. برای بررسی رابطه خودتنظیمی هیجان‌ها و مؤلفه‌های آن با پرخاشگری از ضریب همبستگی Pearson و رگرسیون چندگانه استفاده شد. ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجان‌ها با پرخاشگری نشان داد که پنهان‌کاری هیجان‌ها با پرخاشگری ( $r_{xy} = -0.11, P = 0.35$ ) و

جدول ۱. ساختار عاملی پرسش‌نامه خودتنظیمی Hofmann و Kashdan در دانشجویان ایرانی

سؤالات	سازگاری	پنهان‌کاری	تحمل
۱۹	۰/۶۹		
۷	۰/۶۶		
۱۲	۰/۶۶		
۱۶	۰/۶۴		
۲	۰/۵۲		
۸	۰/۵۰		
۴	۰/۴۹	۰/۲۶	
۱۵		۰/۷۳	
۱۳		۰/۷۰	
۱۰		۰/۶۳	
۱		۰/۵۶	
۹		۰/۵۵	
۵		۰/۳۸	-۰/۲۵
۱۷			۰/۷۳
۶			۰/۵۳
۱۱			۰/۴۶
مقدار ویژه	۲۴/۲۸	۹/۵۰	۷/۴۲
مقدار ویژه تراکمی	۲۴/۲۸	۳۳/۷۸	۴۱/۲۰

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار سبک‌های عاطفی و پرخاشگری به تفکیک زیرگروه‌ها

گروه‌ها	۱- پرخاشگری		۲- پنهان‌کاری		۳- سازگاری		۴- تحمل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دختر	۲۶/۴۵	۱۰/۴۷	۲/۸۲	۰/۶۷	۲/۹۹	۰/۶۴	۲/۹۱	۰/۵۴
پسر	۲۷/۹۰	۸/۱۹	۲/۸۳	۰/۶۰	۳/۰۸	۰/۶۶	۳/۰۲	۰/۶۶
مجرد	۲۷/۰۴	۹/۵۸	۲/۸۴	۰/۶۳	۳/۰۴	۰/۶۲	۲/۹۶	۰/۵۹
متاهل	۲۷/۰۰	۹/۴۵	۲/۶۹	۰/۷۲	۲/۹۶	۰/۸۵	۲/۹۵	۰/۶۷
غیر شاغل	۲۷/۲۵	۹/۶۷	۲/۸۳	۰/۶۴	۳/۰۳	۰/۶۵	۲/۹۵	۰/۶۰
شاغل	۲۴/۵۵	۶/۵۴	۲/۷۶	۰/۵۶	۳/۰۱	۰/۶۴	۲/۹۸	۰/۵۶
کل	۲۶/۷۲	۷/۹۰	۲/۸۶	۰/۶۴	۳/۰۴	۰/۶۶	۲/۹۶	۰/۶۱

جدول ۳. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی برای پیش‌بینی پرخاشگری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
رگرسیون	۱۴۷۷/۸۳	۳	۴۹۲/۶۱	۸/۵۰**
باقیمانده	۱۶۷۵۲/۷۷	۲۹۸	۵۷/۶۹	
کل	۱۸۲۳۰/۶۱	۲۹۲		

\*\*P < .۰۱

بیش از دو گروه دیگر است و سازگارها کمترین مقدار نگرش پرخاشگری را دارا بودند. نتایج اجرای تحلیل واریانس یک راهه پس از احراز برابری واریانس‌ها در سه گروه نشان داد که اثر سبک‌های عاطفی به لحاظ آماری معنی‌دار است ( $F_{(۳, ۲۹۸)} = ۹/۸۲, P < ۰/۰۰۱$ ). این بدان معنی است که میانگین تمایلات پرخاشگری در سبک خاصی بیش از بقیه سبک‌ها است. برای تعیین این که کدام سبک‌ها با هم متفاوتند، از آزمون تعقیبی Scheffe استفاده شد. آزمون‌های تعقیبی Scheffe نشان داد که میانگین پرخاشگری افراد سازگار نسبت به دو گروه دیگر به خصوص تحمل کمتر است. پنهان‌کارها از تحمل‌کنندگان پرخاشگری کمتری داشتند، ولی به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، اعتباریابی مقیاس سبک‌های عاطفی و بررسی رابطه مؤلفه‌های آن با تمایلات پرخاشگرانه بود. نتایج نشان داد که پنهان‌کاری و سازگاری هیجانات با پرخاشگری رابطه منفی، اما تحمل هیجانات با پرخاشگری رابطه ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که سبک‌های عاطفی می‌توانند پرخاشگری را پیش‌بینی کنند. در مورد همخوانی با یافته‌های تحقیقات دیگر می‌توان گفت که با توجه به نتایج اعتباریابی، که ساختار عاملی سبک‌های عاطفی پیشنهاد شده Kashdan با سبک‌های عاطفی دانشجویان ایرانی نیز برآزش دارد، این ساختار با سبک‌های عاطفی دانشجویان آمریکایی نیز برآزش داشته است (۱). ساختار عاملی تأیید شده به دلیل شیوع گسترده این سبک‌ها در تعاملات و ابراز هیجانی است. افراد بسته به زمینه فرهنگی اجتماعی، خانوادگی و شخصیتی که دارند، سبک‌های متفاوتی

برای بررسی این فرضیه که آیا پرخاشگری از طریق مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی قابل پیش‌بینی است، تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام به گام انجام شد (جدول ۳). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر این است که مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی می‌توانند پرخاشگری را پیش‌بینی کنند ( $F_{(۳, ۲۹۸)} = ۸/۴۹, P = ۰ < ۰/۰۱$ ). مقدار مجذور ضریب همبستگی چندگانه ( $R^2 = ۰/۰۷$ ) به دست آمده که پایین اما به لحاظ آماری معنی‌دار است. این بدان معنی است که فقط هفت درصد تغییرات پرخاشگری از طریق مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی قابل تبیین است.

با نگاهی به ضرایب رگرسیون مؤلفه‌های خودتنظیمی هیجانی برای پیش‌بینی پرخاشگری مشخص شد که ضرایب رگرسیون مربوط به سازگاری بالا، منفی و معنی‌دار است، اما ضرایب رگرسیون مربوط به سایر مؤلفه‌ها پایین و غیر معنی‌دار است.

بر اساس دستورالعمل آزمون خودتنظیمی هیجانی، افراد بر اساس ترجیح سبک عاطفه به سه دسته تقسیم شدند: پنهان‌کاری، سازگاری و تحمل. به لحاظ ترجیح سبک عاطفی به ترتیب، ۷۵، ۱۲۲ و ۱۰۵ نفر سبک‌های پنهان‌کاری، سازگاری و تحمل را در حل مسایل هیجانی مربوط ترجیح داده بودند، که نسبت‌ها یا فراوانی‌های مزبور به لحاظ آماری با هم تفاوت دارند ( $\chi^2_{(۲)} = ۱۱/۲۵, P = ۰/۰۰۴$ ). نتایج نشان می‌دهد که اکثر افراد سبک سازگاری را ترجیح می‌دهند و نسبت کمتری از افراد با سبک پنهان‌کاری موافق هستند. میانگین پرخاشگری پنهان‌کارها، سازگارها و تحمل‌کننده‌ها نیز به ترتیب ۲۷/۲۱، ۲۴/۴۹ و ۲۸/۹۷ و انحراف معیار نمرات پرخاشگری آن‌ها هم به ترتیب ۷/۷۶، ۷/۳۰ و ۷/۹۶ به دست آمد. مقدار پرخاشگری ادراک شده افراد دارای سبک تحمل

در رابطه بین عوامل پرخاشگرانه و رفتار و نگرش پرخاشگری ایفا می‌کنند. افراد سازگار بیش از سایر گروه‌ها قادر به کنترل نگرش‌های پرخاشگرانه هستند. ویژگی‌های این سبک سازگارانه‌تر است و امکان کنترل هیجانی بهتری را فراهم می‌کند. بر همین مبنای، Rothbart و Bitez (به نقل از Corapci) نیز معتقدند که تنظیم توجهی و رفتاری از جمله عوامل اثرگذار بر مهارت‌های اجتماعی است (۷). دلیل بالاتر از متوسط بودن نمرات سبک‌های تنظیمی هیجانی به خاطر این است که شرکت‌کنندگان دانشجو هستند و محیط دانشگاهی و تحصیلات خاص آن روی تنظیم هیجانات و میزان بروز رفتارها و نگرش‌های پرخاشگری مؤثر است. بالا بودن نگرش پرخاشگرانه افراد اهل تحمل هیجانی نیز با مکانیزم جابه‌جایی قابل توجیه است.

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش این است که این تحقیق در بین دانشجویانی اجرا شده است که از نظر پرخاشگری در سطح پایین و به نسبت یکسانی هستند. از این رو یکی از دلایل همبستگی متوسط به دست آمده می‌تواند یکسانی پراکنندگی شرکت‌کنندگان در متغیر ملاک باشد. به نظر می‌رسد که چون در جامعه طبیعی که از همه اقدار حضور دارند، مقدار پرخاشگری متنوع است، همبستگی بیشتری به دست می‌آید، از این رو توصیه می‌شود، این تحقیق در جامعه‌ای مرکب از کلیه افراد جامعه انجام شود. چون یافته‌های تحقیق در مورد جامعه دانشجویان به دست آمده، تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی و اجتماعی باید با احتیاط تفسیر گردد. در مورد رابطه این دو متغیر ممکن است تا متغیرهای تعدیل‌گر یا میانجی زیادی همچون انگیزش و باورهای انگیزشی و شخصیت اثر داشته باشند. از این رو توصیه می‌شود که در تحقیقات آینده متغیرهای یاد شده نیز در تحلیل وارد گردند. با توجه به نقش سبک‌های عاطفی در پرخاشگری و اهمیت رابطه علی مورد نظر، انجام تحقیق به صورت آزمایشی و بررسی تأثیر آموزش سبک‌های مختلف تنظیم هیجانات بر پرخاشگری و مهارت‌های ارتباطی نیز از جمله موضوعات قابل توجه پژوهشی برای تحقیقات آینده

در بروز هیجانات دارند و در نتیجه به گونه‌های متفاوتی از این منظر قابل طبقه‌بندی هستند. رابطه ضعیف بین سبک‌ها هم نشان می‌دهد که مرز این طبقه‌بندی‌ها از شواهد قوی برخوردار است. علاوه بر تأیید پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی، نظریه سه بعدی Kashdan در این مورد نیز در جامعه دانشجویان ایرانی قابل تأیید است. با وجود حذف چند سؤال و باقی ماندن اکثریت سؤالات، می‌توان گفت که جهان شمولی چنین سبک‌هایی در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند وجود داشته باشد.

همچنین یافته‌های به دست آمده در مورد رابطه سبک‌های عاطفی و پرخاشگری با یافته‌های پژوهشی مختلفی همخوان است. برای مثال در پژوهش Trentacosta و Shaw همبستگی منفی بین خودتنظیمی هیجانی (که سازه‌ای مشابه سبک‌های عاطفی است) و رفتارهای ضد اجتماعی کودکان (که می‌تواند جلوه‌ای از پرخاشگری باشد)، به دست آمد (۱۸). یافته‌های Lewis و همکاران نیز وجود رابطه بین خودتنظیمی هیجانی پایین و رفتارهای پرخاشگرانه را نشان داد (۱۲). همچنین یافته‌های تحقیق Rothbart و همکاران نشان داد که افراد دارای توانایی پایین در تغییر ارادی توجه و بازداری تکانه‌های هیجانی، پرخاشگرتر هستند (۱۵). Eisenberg و همکاران نیز نشان دادند که کودکان با کنترل هیجانی خوب قادرند تا به علایم خشم توجه نکنند و روش‌های کلامی غیر خصمانه‌ای را به کار بگیرند (۱۶). علاوه بر این یافته‌های ما با شواهد تجربی که دال بر اثربخشی آموزش‌های تنظیم هیجان است، نیز همخوان است. برای مثال، Blair و همکاران نشان دادند که آموزش تنظیم هیجانی بر حل مسأله اجتماعی (که سازه عکس پرخاشگری است)، مؤثر می‌باشد (۶). یافته پژوهش نورانی‌پور و همکاران در مورد اثربخشی آموزش هوش هیجانی که سازه‌ای کلی‌تر از خودتنظیمی هیجانی است، نیز نشان داد که این آموزش‌ها در کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مؤثر بوده است (۱۹). در مورد دلایل وجود رابطه منفی بین خودتنظیمی هیجانی و پرخاشگری می‌توان گفت که این فرایندها نقش میانجی‌گری

آموزش‌هایی در مورد تغییر سبک ترجیح هیجانی صورت گیرد. تهیه و تدارک برنامه‌های آموزش خودتنظیمی در مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز مربوط و نیز آموزش زوجین، نقش قابل توجهی در کاهش مسایل اجتماعی مربوط به تنظیم هیجانات همچون پرخاشگری و خشم خواهد داشت.

### سپاسگزاری

از دکتر کاشدان که پرسش‌نامه خودتنظیمی هیجانی را در اختیار اینجانب قرار دادند و نیز دانشجویان دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند، تشکر می‌کنم.

خواهد بود. به نظر می‌رسد که بررسی نقش خودتنظیمی هیجانی بر پرخاشگری آشکار به نتایج معنی‌دارتری برسد، از این رو توصیه می‌شود که محققان به بررسی رابطه خودتنظیمی هیجانی و پرخاشگری آشکار یا رفتارهای پرخاشگرانه بپردازند. همچنین با توجه به اعتبار پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی، توصیه می‌شود تا از این ابزار برای تشخیص سبک تنظیم هیجانات افراد استفاده گردد و در مورد گروه‌های دیگر نیز اعتباریابی گردد.

با توجه به رابطه سبک‌های عاطفی و پرخاشگری توصیه می‌شود تا برای کاهش مشکلات ارتباطی و رفتارها و نگرش‌های پرخاشگرانه و افزایش مهارت‌های اجتماعی

### References

- Hofmann SG, Kashdan TB. The affective style questionnaire: Development and psychometric properties. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment* 2010; 32(2): 255-63.
- Davidson RJ. Darwin and the neural bases of emotion and affective style. *Ann N Y Acad Sci* 2003; 1000: 316-36.
- Ekman P. *Emotions revealed: Recognizing faces and feelings to improve communication and emotional life*. New York, NY: Henry Holt and Company; 2003.
- Ridder D, Wit J. Self-regulation in health behavior: Concepts, Theories and central issues. In: Ridder D, Wit J, editors. *Self-regulation in health behavior*. New Jersey, NJ: John Wiley & Sons; 2006. p. 1-23.
- Davidson RJ. Affective style and affective disorders: Perspectives from affective neuroscience. *Cognition & Emotion* 1998; 12(3): 307-30.
- Blair KA, Denham SA, Kochanoff A, Whipple B. Playing it cool: temperament, emotion regulation, and social behavior in preschoolers. *Journal of School Psychology* 2004; 42(6): 419-43.
- Corapci F. The role of child temperament on head start preschoolers' social competence in the context of cumulative risk. *Journal of Applied Developmental Psychology* 2008; 29(1): 1-16.
- Del VT, O'Leary KD. Effectiveness of anger treatments for specific anger problems: a meta-analytic review. *Clin Psychol Rev* 2004; 24(1): 15-34.
- Eniola MS. The influence of emotional intelligence and self-regulation strategies on remediation of aggressive behaviours in adolescent with visual impairment. *Ethno-Med* 2007; 1(1): 71-7.
- Bandura A. *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall; 1986.
- Schunk DH, Zimmerman BJ. *Self-regulation of learning and performance: Issues and educational applications*. Hillsdale, NJ: L. Erlbaum Associates; 1994.
- Lewis MD, Granic I, Lamm C. Behavioral differences in aggressive children linked with neural mechanisms of emotion regulation. *Ann N Y Acad Sci* 2006; 1094: 164-77.
- Bradley SJ. *Affect regulation and the development of psychopathology*. New York, NY: Guilford Publication; 2000.
- Calkins SD. Origins and outcomes of individual differences in emotion regulation. *Monogr Soc Res Child Dev* 1994; 59(2-3): 53-72.
- Rothbart MK, Ahadi SA, Hershey K. Temperament and Social Behavior in Childhood. *Merrill-Palmer Quarterly* 1994; 40(1): 21-39.
- Eisenberg N, Fabes RA, Nyman M, Bernzweig J, Pinuelas A. The relations of emotionality and regulation to children's anger-related reactions. *Child Dev* 1994; 65(1): 109-28.



17. Arefi M, Razavieh A. Study of relation social and explicit aggression with social-affective adjustment in boys and girls in elementary school. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2003; 5(16): 113-25. [In Persian].
18. Trentacosta CJ, Shaw DS. Emotional Self-Regulation, Peer Rejection, and Antisocial Behavior: Developmental Associations from Early Childhood to Early Adolescence. *J Appl Dev Psychol* 2009; 30(3): 356-65.
19. Nooranipour R, Adib-rad N, Naghdi H. Effectiveness of instructing emotional intelligence on boy students aggression. *Behbood* 2010; 14(3): 211-8. [In Persian].
20. Mohammad tehrani H. Relation of aggression with essential human needs in height school students in area 13 of education. [Thesis]. Rudehen, Iran: Roudehen Islamic Azad University; 1999. [In Persian].

Archive of SID

## پیوست ۱. پرسش‌نامه سبک‌های عاطفی

مردم اغلب نمی‌توانند بگویند من در درون خود چه احساسی دارم	۱
من هیجانانگیز را به خوبی تحت کنترل دارم	۲
من می‌توانم هیجانانگیز قوی خود را تحمل کنم	۳
با اتخاذ دیدگاهی متفاوت و در نظر گرفتن دیدگاه دیگران، می‌توانم از آشفتگی اجتناب کنم	۴
من اغلب واکنش‌های هیجانانگیزم نسبت به دیگران را سرکوب می‌کنم	۵
این که دیگران مرا آشفتگی ببینند برایم اهمیتی ندارد	۶
من خیلی سریع می‌توانم آرام شوم	۷
من با احساساتم راحت هستم	۸
من به خوبی می‌توانم احساساتم را مخفی کنم	۹
دیگران نمی‌توانند بگویند که چه موقع آشفتگی هستم	۱۰
این که انسان گاهی هیجانانگیز منفی را تجربه کند، عادی است	۱۱
من خیلی سریع می‌توانم از بدخلقی خارج شوم	۱۲
اغلب دیگران نمی‌توانند دریابند چه زمانی غمگینم	۱۳
من می‌توانم آشفتگی را تحمل کنم	۱۴
من می‌توانم به گونه‌ای عمل کنم که مردم متوجه نشوند من برآشفتگی و به هم ریخته‌ام	۱۵
من دقیقاً می‌دانم چه کار کنم تا خلق بهتری به دست آورم	۱۶
هیچ اشکالی ندارد که انسان هیجانانگیز شدیدی داشته باشد	۱۷
من به سادگی می‌توانم هیجانانگیز مختلف را تقلید کنم و یا ادای هیجانانگیز مختلف را در بیاورم	۱۸
من خیلی ساده می‌توانم به خلق بهتری دست یابم	۱۹
اگر مجبور باشم به خوبی می‌توانم خشم خود را پنهان کنم	۲۰

## Evaluating factorial structure of emotional styles in students

Hossein Kareshki<sup>1</sup>

Original Article

### Abstract

**Aim and Background:** It is essential to design a scale for the evaluation of aggressive attitudes and behaviors, and to investigate its outcomes and factors effective on. The aim of this research was the evaluation of reliability and validity of affective styles scale and the relation of its components with aggressive attitudes.

**Methods and Materials:** The validation and correlative research methods were used. A sample of 350 Bachelor's students was selected from students of Ferdowsi University of Mashhad and Mashhad University of Medical Sciences. Sampling method used was quota sampling. The affective styles scale (ASQ) of Hofmann and Kashdan, and aggressive attitudes scale of Izenk- Wilson were completed by participants. The validity and reliability of affective styles scale were verified by Cronbach's alpha, content and construct validity, CFA, and PCA.

**Findings:** Results showed that the dominant affective style in students is emotional adjustment. Furthermore, results show that there was a statistically significant negative relation between concealment and aggression ( $r = -0.11$ ,  $P < 0.05$ ), and emotional adjustment and aggressive attitudes ( $r = -0.27$ ,  $P < 0.05$ ). However, there was no significant relation between aggressive attitudes and emotional tolerance. Multiple regression analysis results showed that emotional self-regulating components can predict aggressive attitudes ( $P < 0.01$ ).

**Conclusions:** Emotional self-regulating scale is valid and reliable for Iranian students. In addition, we can say that one of the factors related to aggressive attitudes is emotional style.

**Keywords:** Emotion, Self-regulating, Aggression, Validation, Students

**Citation:** Kareshki H. Evaluating factorial structure of emotional styles in students. J Res Behav Sci 2013; 11(3): 185-95

Received: 03.02.2013

Accepted: 25.06.2013